

تحلیل گفتمان شعر طنز مشروطه

(نگاهی به قطب‌بندی‌های اشعار مشهورترین شاعران این دوره)

سجاد عباسی هفشجانی^۱، دکتر محمدکاظم کاوه پیش‌قدم^۲، مهین برخوردار^۳

چکیده

نهضت مشروطه پیش از آن‌که صرفاً یک خیز سیاسی باشد، مولود یک جنبش تمام‌عیار اجتماعی در ایران است. در این دوره است که به‌تدریج ارتباط هرچه بیشتر ایرانیان با تمدن غرب افزایش می‌یابد و این ارتباطات خط فکری روشن‌فکران ایرانی را به سوی غرب متمایل می‌سازد. در خلال این تحول، ادبیات و علی‌الخصوص شعر، به محملی برای تبیین نظرات مردم، اندیش‌مندان و روشن‌فکران جامعه می‌شود. در این مقاله، با عنایت به روش‌های تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، با واکاوی "قطب‌بندی‌های حاکم بر این اشعار مورد نظر، بر مبنای نظریه‌ی تحلیل گفتمان، با روش "تبیین" و در سطح "تحلیل روابط بین فرایندهای گفتمانی و فرایندهای گوناگون اجتماعی" به بررسی این نمونه‌ها پرداخته‌شد و این نکته به دست آمد که قطب‌بندی‌های شاعران مورد نظر، علی‌رغم تفاوت‌های عمده اعتقادی و حتی دانشی، بسیار نزدیک و شبیه به هم است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، شعر طنز، عصر مشروطه، قطب‌بندی‌های شعر طنز مشروطه.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (سیاست‌گذاری عمومی)، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Abbasihafshejanisajjad@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) pishghadam@iaushira.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.

الف) مقدمه

دوره مشروطه یکی از برجسته‌ترین ادوار طنز ایران از ابتدای پیدایش تا کنون به حساب می‌آید، نیاز به زبان ساده و سرعت در رسانیدن آگاهی به مردم، نثر و نظم فارسی را چه از نظر سبک و چه از نظر قالب، دچار دگرگونی نمود. گرایش شعر فارسی به سادگی و به‌کارگیری مفاهیم نو، نتیجه آگاهی شاعران به نیازهای جامعه بود. آنان دربار و محافل اشرافی را ترک کردند و به میان مردم رفتند و برای نخستین بار فاصله میان هنرمند و مردم، برداشته شد؛ زبان شعر به زبان مردم کوی و برزن نزدیک شد و مخاطبان شعر نیز بیشتر توده‌های مردم شدند.

پیرامون ادبیات و شعر طنز دوره مشروطه، پژوهش‌های گوناگونی تاکنون انجام شده است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. یحیی آرین‌پور فصلی از کتاب "از صبا تا نیما" را که مجموعه‌ای در تاریخ ۱۵۰ ساله ادب فارسی است، به طنز مشروطه اختصاص داده است و در آن از برخی نویسندگان دوره مشروطه مفصلاً بحث کرده است. (آرین‌پور، ۱۳۸۷: صفحات مختلف).

۲. از دیگر کتاب‌های مطرح درخصوص طنز مشروطه، می‌توان کتاب "کاوش در طنز ایران" را نام برد که در آن سید ابراهیم نبوی، گزیده‌ای از آثار طنزنویسان معاصر را از جمال‌زاده تا خودش جمع‌آوری کرده است. (نبوی، ۱۳۸۰: صفحات مختلف).

۳. کتاب "ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت" نیز که نگاشته محمد رضا شفیعی کدکنی است، به بررسی شعر مشروطه می‌پردازد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: صفحات مختلف).

۴. "طنز و طنزپردازی در ایران" از حسین بهزدای اندهجری نیز کتاب جامعی در حوزه ادبیات طنز ایران به حساب می‌آید. نگارنده در این اثر با انتخاب گزیده‌های از نثر و نظم طنز ادبی مشروطه، به تحلیل محتوا و دلایل شعرا از طرح انتقادات علیه وضع حاکم می‌پردازد. (بهزادی، ۱۳۷۸: صفحات مختلف).

تحلیل گفتن شعر طنز مشروطه • سجاد عباسی، محمد کاظم کاوه پیش قدم و ... صص ۱۹۲-۱۶۵ □ ۱۶۷

۵. البته در این میان، آثاری نظیر: "یا مرگ یا تجدّد" ماشاءالله آجودانی، "مفاهیم سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطیت" اثر حجت‌الله اصیل و "طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب" به کوشش مرتضی فرجیان و محمدباقر نجف‌زاده‌ی بارفروش نیز آثاری درخور و قابل توجه هستند.

ب) تحولات فرهنگی و ادبی مشروطه

شعر طنز، پس از آغاز جنبش مشروطیت در ایران، دچار تغییرات شگرفی چه در قالب و چه در مضمون می‌گردد. در حالی که تا پیش از مشروطیت، شعر و شاعری، متاعی از آن فرهیختگان بود، در این دوره، شعر و شاعری، سعی وافری در نزدیکی با زبان کوی و برزن دارد. شعر طنز در این عصر درصدد بیان دغدغه‌های مردمی، بالنده می‌شود و شاعران، زبان مردم در برابر خرافه و استبداد می‌گردند.

به عبارت دقیق‌تر، ادبیات مشروطه در جریان جدال با ادبیات کهنه، شکل و جان می‌گیرد و به همین دلیل هم از نظر شکل و هم از نظر محتوا، نو و سنت‌شکن است. «هدف اشعار در این دوره بیداری مردم و انگیختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی و طرد خرافات و اندیشه‌های سُست و ناروا، پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی‌ها و آشنا کردن مردم به حدود و حقوق انسانی آن‌هاست.» (ذاکر حسن، ۱۳۷۷: ۴۱)

با انقلاب مشروطه در کنار مجالس وعظ، بحث و سخنرانی‌ها، روزنامه‌ها، رسانه اصلی گفتگوها و ابراز آرا و عقاید انقلابی شدند و "عرصه‌ای عمومی" پدید آمد که تا آن زمان دیده نشده بود. گذشته از این، تهمت‌زنی و بدگویی و هرزه‌درآیی، جنبه خصوصی، تفرّنی و استثنایی خود را از دست داد، بلکه کاملاً سیاسی شد و به صورت یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای مبارزه سیاسی درآمد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: شماره ۱۷ و ۱۸)

در ادبیات مشروطه دو جنبه اساسی به چشم می‌خورد: یکی نقد ادبیات گذشته و یکی طرح ادبیات نو. زین‌العابدین مراغه‌ای در این باره می‌گوید: «این ایام نه آن

زمان است که ارباب قلم و افکار، اوقات خود را صرف خولیا و افسانه‌های واهی و اراجیف بی‌معنی، مثل گذشتگان صرف نمایند که جز موهوم، چیزی حاصلشان نخواهد بود.» (مؤمنی: ۱۳۵۲، ۵۶)

پ) تحلیل گفتمان مفاهیم اساسی طنز در شعر مشروطه

طنز و علی‌الخصوص شعر طنز از لطایف و ظرایف خاصی برخوردار است. طنز، هجو، هزل و... گرچه دارای افتراقاتی هستند، اما وجه اشتراکی، هم‌چون لبخند آن‌ها را به هم پیوند زده است. شوخی و خنده‌ای که غالباً نه از سر بی‌مسئولیتی و بی‌خود شدن از خود پدید می‌آید، بلکه عملی برآمده از تفکری عمیق در درون است. طنز ساختارشکنی است و نویسنده در پی آن است تا با ایجاد یک فضای مبتنی بر تناقضات، سخن خود را بر پیکره عقل و روح مخاطب حکاکی کند.

در تحلیل گفتمان شعر طنز مشروطه، عمدتاً صورت دوم تحلیل، یعنی بُعد کارکردگرایی مد نظر قرار گرفته است. به این معنی که به رابطه فضای گفتمانی، با توجه به شرایط فرامتنی اشعار، توجه شده است. لازم به ذکر است که گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه‌های اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها، جملگی بستگی به این دارند که کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی یا علیه چه چیزی یا چه کسی، در چه بستر و با چه قدرت و وسعتی به کار رفته‌اند.

ت) شاخص‌های تحلیل گفتمان

در اصل پایان‌نامه‌ای که مقاله‌ی حاضر تنها از یک دریچه آن، به تحلیل گفتمان شعر طنز در عصر مشروطه می‌پردازد (عباسی، ۱۳۹۱)، با هدف تحلیل گفتمان از بُعد کارکردگرایی و با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، برخی منظومه‌های طنز عصر مشروطه مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است و گفتمان حاکم بر شعر طنز، براساس ۴ شاخص زیر، تحلیل شده است:

ت. ۱) واژگان (منفی - مثبت)

در این مؤلفه، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به شمار می‌آیند، همراه با کارکرد آن‌ها در متن، تنها از دیدگاه مفاهیم مثبت و منفی، مورد ارزیابی قرار می‌دهند. برای مثال واژه‌هایی مثل دوست و متحد، جزء واژه‌های سفید و مثبت و واژه‌هایی مثل دشمن، معارض و مخالف، جزء واژگان منفی یا سیاه محسوب می‌شوند.

ت. ۲) قطب‌بندی (غیرسازی)

اولین قدم برای تحلیل سیاسی در چارچوب این رهیافت، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با هم رابطه‌ای متقابل برقرار کرده‌اند. در یک گفتمان سیاسی، گفتمان قدرت‌مندتر، مدام حوزه خود را گسترده و قلمرو دیگر را محدودتر می‌کند. درواقع، برای تحلیل یک گفتمان، باید آن را در برابر گفتمان رقیبش قرار داد و ساختارهای مناقشه برانگیز و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱ به بعد)

ت. ۳) پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج، کُنش‌گر اصلی را شکل می‌دهند. (همان: ۲۳۰) به عنوان نمونه، فهم گفتمان شعر طنز مشروطه، ارتباط معناداری با درک پیش‌فرض‌های شعرا نسبت به مفاهیمی چون تجدد، حریت، مشروطیت و... دارد.

ت. ۴) دلالت‌های ضمنی شعر (تلقین و تداعی)

شناخت دلالت‌های ضمنی در مرحله تفسیر متن، به تحلیل‌گر کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از دانش زبانی، نشان دهد که فلان جمله یا گزاره، حاوی کدام معانی ضمنی و ناآشکار است و نویسنده از به‌کار بردن آن، چه قصد و نیتی داشته است و

کاربرد این دلالت‌ها کدام معانی یا پیامدها را به همراه دارد. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۴۹-۵۲)

در ادامه به برخی اشعار ۹ شاعر مطرح در عصر مشروطه می‌پردازیم و با توجه به الگوی نور فرکلاف، سعی در کشف مفاهیم اساسی گفتمان حاکم بر شعر طنز مشروطه با توجه به قطب‌بندی‌های قابل درک داریم. لازم به ذکر است که این اشعار به نوعی، منتخبی از مجموعه فکری هر شاعری است.

ث. تحلیل گفتمان اشعار طنز شاعران عصر مشروطه

پیش از پرداختن به اصل مطلب، یادآوری دو نکته ضروری است:

۱. در این مقاله، از میان شاخص‌های چهارگانه‌ی بالا، با توجه به حجم مقاله، تنها، از شاخصه‌ی "قطب‌بندی"، به تحلیل گفتمان حاکم بر عصر مشروطه پرداخته‌ایم.

۲. از میان اشعار طنز شاعران این دوره، از هر شاعر، تنها یک شعر یا بخشی از آن را که به گفتمان حاکم بر آن عصر نزدیک‌تر بوده، مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. بدیهی است برای نمونه‌های بیش‌تر، مطالعه‌ی اصل پژوهش ضروری است.

ث. ۱) قطب‌بندی‌های معروف‌ترین شاعران مشروطه

ث. ۱. ۱) ایرج میرزا

ایرج میرزا فرزند غلامحسین میرزای قاجار بود و صدرالشعرا تخلص می‌کرد. او خط خوشی هم داشت و در هر دو شیوه‌ی هزل و جد، شعر می‌سرود. علاوه بر دیوان اشعار، منظومه‌ی هجوآمیزی نیز از ایرج میرزا با نام "نسب‌نامه‌ی کرد مازندری" در قالب مثنوی و در بحر متقارب مثنی‌محدوف یا مقصور وجود دارد که نزدیک به هزار بیت است. غلامحسین میرزا فرزند ملک ایرج میرزا پسر فتحعلی‌شاه قاجار بود. هم ملک ایرج میرزا و هم فتحعلی‌شاه شاعر بودند. به نوعی قبیلۀ، آبا و اجداد ایرج میرزا شاعرانی فحل و شیرین‌سخن بوده‌اند و وی در شاعری و طنز، نسبت از چند جانب

دارد.

ایرج میرزا در ماه رمضان ۱۲۹۰ هجری قمری در تبریز متولد شد و تحصیلاتش را در مدرسه دارالفنون تبریز ادامه داد. وی در فارسی، تازی و زبان فرانسوی مهارت داشت و روسی و ترکی نیز می‌دانست. چون به سن چهارده سالگی رسید از تشویقات امیرنظام حسن علی‌خان گروسی بهره‌مند گردید. ایرج از نظر شکل و شمایل، مردی سیاه‌سوخته و لاغر اندام با قامتی متوسط و شکیبایی و متانت در رفتار و گفتار بوده‌است. ایرج در خانواده‌ای اشرافی چشم به جهان گشود، با موازین اشرافیت تربیت شد و در مدت عمر نیز حشر و نشر او عمدتاً با طبقات ممتاز و اعیان زمان خویش بود.

هرچند دوران مدیحه‌سرایی او، به عنوان یک شاعر رسمی دربار، چندان به درازا نکشید، اما همان‌گونه که از شعر و زندگی او استنباط می‌شود، بقیه عمر خود را نیز در حول و حوش مراکز قدرت گذراند. داشتن تبار اشرافی و محیط تربیتی و شغلی خاص، ویژگی‌های خصلتی متفاوتی به وی بخشیده بود که در رفتار و منش اجتماعی او هم انعکاس می‌یافت. آنچنان‌که معاصرانش حکایت می‌کنند، او دلبستگی خاصی به معیارهای اشرافیت داشت.

زندگانی خصوص ایرج نیز تعریفی نداشت و به قول خودش «آنچه از کل جهان هستی بود/ صرف عیش و طرب و مستی بود». مخصوصاً بعد از انتشار عارف‌نامه و شهرت فوق‌العاده‌ای که در سایه آن به دست آورد، به گفته سعید نفیسی، بیشتر در مهمانی‌ها و مجالس عجیب اعیانی عیش و نوش و دم و دود و شکم‌خواری که باده بود، ساده بود و بزم عیش، آماده، به سر می‌برد و در چنین محیطی بود که آخرین اشعار خود را می‌سرود. ایرج در تمام انواع سخن از قبیل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و رباعی طبع آزمایی کرده‌است ولی برخی از مثنویات او مانند "عارف‌نامه"، "زهره و منوچهر"، "انقلاب ادبی" و قطعاتی مثل "قلب مادر"، "مهر مادر"، "مادر"، "هدیه عاشق"، "سنگ هزار" و "شراب" شهرت فراوانی پیدا کرده‌است. ایرج بخش مهمی

از شهرت خود را مدیون عارف‌نامه است. سروده‌ای که علیه ابوالقاسم عارف سروده شده است. "عارف‌نامه" دست‌کم از نظر زبان و بدایع ادبی، یکی از بهترین شعرهای ایرج است و بهترین طنزنامه اوست و شاید حتی بهترین شعر او باشد. و آن سادگی و روانی زبان که وقتی هم با دقت، هم با ظرافت و هم با ایجاز در بیان، توأم می‌شود [و بدان خاطر] شعر را "سهل ممتنع" می‌نامند - و این خود از خصائص بارز شعر ایرج است، - در این شعر بلند به حدّ کمال می‌رسد. مضمون آن هم، فقط "هجو عارف" یا "هجو حجاب" نیست، بلکه - تازه‌ای شبیه مثنوی‌های روایی قدیم شعر فارسی - دارای اغراض و حکایات و نکات و مشاهدات و نظراتی است که به صورت یک طنزنامه واحد و منسجم بیان شده است. (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۹ - ۱۷۷).

این مثنوی ۵۱۵ بیت است. او در ابیات ۴۴۵ به بعد، به نوعی، قطب‌بندی‌های حاکم بر گفتمان غالب ایران عصر مشروطه را به تصویر می‌کشد. بخشی از آن ابیات را در زیر می‌خوانیم:

حراج عقل و ایمان است این‌جا؟

«نمی‌دانی که ایران است این‌جا	نمی‌دانی چقدر این جنس حیز است؟
بزرگان وطن را از حماقه	نباشد بر وطن یک جو علاقه
یکی از انگلستان پند گیرد	یکی با روس‌ها پیوند گیرد
تهیدستان گرفتار معاشند	برای شام شب در اندر تلاشد
از آن گویند گاهی لفظ قانون	که حرف آخر قانون بود نون
اگر داخل شوند اندر سیاست	برای شغل و کار است و ریاست
چه دانند این گروه ابله دون	که خُریت چه باشد، چیست قانون؟»

(ایرج میرزا، ۱۳۴۲: ص ۹۴)

ث. ۱. ۱. ۱ قطب‌بندی‌های شعر ایرج میرزا

با اندکی دقت در این شعر، می‌توان قطب‌های متخاصم یا متقابل را در گفتمان حاکم بر عصر مشروطه، در جدول شماره‌ی ۱ نشان داد. در این گفتمان‌ها،

تحلیل گفتمان شعر طنز مشروطه • سجاد عباسی، محمد کاظم کاوه پیش قدم و ... • صص ۱۹۲-۱۶۵ □ ۱۷۳

گفتمان‌های خیانت‌کاری و فریب‌پیشگی در اقلیت و سلطه و دیگر گفتمان‌ها، اگرچه در اکثریت ولی مغلوب هستند.

جدول شماره‌ی ۱

قطب‌بندی‌های شعر ایرج میرزا

خیانت‌کاری	قطب ۱
جهل و حماقت	قطب ۲
قانون‌گرایی	قطب ۳
آزادی‌خواهی	قطب ۴
روزمرگی	قطب ۵
فریب‌پیشگی	قطب ۶

آن‌چه ایرج میرزا در این شعر به آن می‌پردازد، تأکید بر جهل و نادانی توده‌های مردم است که باعث می‌گردد، نسبت به چندوچون گفتمان مقابل، بی‌اراده و منفعل عمل نماید. در یک سر مناقشه، طرف‌داران فریب، نیرنگ، رندی، زدوبند و وطن‌فروشی قرار دارند، که از سر جهل به این سمت کشانده شده‌اند و از سوی دیگر نیز، مردم فقیر و بی‌اطلاع و ناآگاهی قرار دارند، که در این میان، به دلیل ناآگاهی مورد سوءاستفاده گروه نخست، قرار دارند. با اندکی تأمل در این شعر، متوجه می‌شویم که ایرج میرزا گفتمان دانایی و آزادی‌خواهی از روی علم را در مقابل جهل و قانون‌گرایی به دلیل تهیدستی قرار می‌دهد.

ث. ۱. ۲) سید اشرف‌الدین حسینی

سید اشرف‌الدین قزوینی، یکی از مهم‌ترین طنزسرایان دوران مشروطیت به حساب می‌آید. وی فرزند سید احمد حسینی قزوینی بود که به سال ۱۲۸۷ هجری در قزوین متولد شد. سید اشرف‌الدین محبوب‌ترین و معروف‌ترین شاعر ملی عهد انقلاب مشروطه بود، اما در ۱۳۴۵ هـ. ق. در تهران به بیماری جنون مبتلا شد و در

۱۷۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی- پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۲، (پیاپی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

فروردین سال ۱۳۵۲ هـ. ق. نیز دار فانی را وداع گفت. درباره‌ی زندگی و شعر اشرف‌الدین. (اشرف‌الدین، ۱۳۷۰: مقدمه)

وی روزنامه ادبی - فکاهی کوچکی به نام "نسیم شمال" در شهر رشت منتشر می‌کرد که در تاریخ سیاست معاصر، نقش بی‌بدیلی داشت و هم‌چون صور اسرافیل و ملّا نصرالدین، حضوری ارزش‌مند و فعال در انقلاب مشروطیت داشت.

سید اشرف‌الدین، زمانی در اشعار نسیم شمال، از مضامین روزنامه‌ی ملّا نصرالدین که با خصوصیات مشابهی در آذربایجان به زیانت ترکی منتشر می‌شد، الهام می‌گرفت. (یاحقی، ۱۳۷۴: ۶۰)

اشرف‌الدین حسینی در سروده‌های خود، به‌وضوح از نبود آزادی برای قلم، در عصر مشروطه انتقاد می‌کند و ریشه‌ی بسیاری از مشکلات کشور را در همین نبود آزادی می‌خواند. یکی از اشعار معروف او که در زیر می‌خوانیم، نمایان‌گر قطب‌بندی‌های گفتمان حاکم بر آن عصر است:

«ای قلم تا می‌توانی در قلمدان صبر کن

یوسف‌آسا، سال‌ها در کُنج زندان صبر کن

همچو یعقوبِ حزین در بیت‌الاحزان صبر کن

کور شو، بیرون نیا، از شهر کنعان غم مخور

نیستی آزاد در ایرانِ ویران غم مخور

ای قلم با این فلاکت حرف حق منویس هیچ

طعنه بر گردن کلفت کله‌شق منویس هیچ

کارها گردیده بی‌نظم و نسق منویس هیچ

دم مزین از مجلس اشراف و اعیان ای قلم

نیستی آزاد در ایرانِ ویران ای قلم»

(حسینی، ۱۳۶۳، ۲۲۴)

ث. ۱. ۲. ۱) قطب‌بندی‌های شعر اشرف‌الدین گیلانی

در این شعر، چنان‌که ملاحظه می‌شود، شاعر آزادی قلم و بیان را در برابر خفقان و سکوت مطبوعات می‌بیند. از میان این گفتمان‌ها، گفتمان‌ها استبدادزدگی، غالب و مابقی گفتمان‌ها، اگرچه طیف وسیعی از مردم را شامل هستند، ولی به دلیل دوری از قدرت، مغلوب هستند.

جدول شماره‌ی ۲

قطب‌بندی‌های شعر اشرف‌الدین گیلانی

استبدادمداری	قطب ۱
استبدادزدگی	قطب ۲
آزادی‌خواهی	قطب ۳
اعتراض‌زدگی	قطب ۴
سکوت‌پیشگی	قطب ۵

ث. ۳. ۱) میرزاده‌ی عشقی

اگر بخواهیم چهار شاعر از قلب و مرکز شعر مشروطیت انتخاب کنیم، عشقی یکی از آن‌هاست و اگر بخواهیم در موج شاعران مشروطه، متجددترین استعداد را برگزینیم، بی‌گمان باید او را انتخاب کنیم، (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۱۲). سید محمد رضا فرزند حاج سید ابوالقاسم کردستانی بود معروف به میرزاده و متخلص به عشقی، در تاریخ دوازدهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۲ هـ. ق. مطابق ۱۲۷۲ شمسی و سال ۱۸۹۳ میلادی در همدان به دنیا آمد و در تیرماه سال ۱۳۰۳ در حالی که بیش از سی سال نداشت، به گلوله‌ی دو تن ناشناس در منزل مسکونیش ترور شد. (یاحقی، ۱۳۷۴: ۶۵)

مضمون اصلی شعرهای عشقی، مسایلی نظیر: رنج دهقان و کارگر، فاصله‌ی طبقاتی زیاد، ظلم و فساد دولتیان، عقب‌ماندگی و سیه‌روزی کشور، روح نادانی و

خرافات و بی‌خبری و بی‌ادراکی مردم روزگارش است. (همان: ۶۷)

مسأله‌ی آزادی یکی از مفاهیم اصلی شعر طنز این شاعر مطرح مشروطه به حساب می‌آید. او در یکی از شعرهایش که در این‌جا چند بیت آن نقل می‌شود، می‌گوید:

«رای من این است کاندید از برای انتخاب
اندرین دوره مناسب‌تر کس از شداد نیست
حرف‌های تازه را فرعون هم ناگفته‌بود
بلکه از چنگیز هم تاریخ را در یاد نیست
ای خدا این مهد استبداد را ویران نما
گرچه در سرتاسرش یک گوشه آباد نیست!
گر که جمهوری است این اوضاع، برگیر و ببند
هیچ آزادی‌طلب بر ضد استبداد نیست
قلب عشقی بین که چون سرتاسر ایران‌زمین
از جفای گل‌رخان یک گوشه‌اش آباد نیست»
(میرزاده‌ی عشقی، ۳۶۴)

البته هدف اصلی میرزاده در این شعر، انتقاد از پایان حکومت قاجار است، اما به‌نوعی از وضعیت حاکم نیز رضایت ندارد.

ث. ۱. ۳. ۱) قطب‌بندی‌های شعر میرزاده‌ی عشقی

در این بخش از شعر میرزاده، او مانند اشرف‌الدین گیلانی، آزادی و استبداد را ضد یکدیگر، و در دو قطب رودرروی هم می‌بیند. در بررسی اشعار دیگر میرزاده نیز تقریباً همی قطب‌بندی‌ها قابل درک هستند.

جدول شماره‌ی ۳

قطب‌بندی‌های شعر میرزاده‌ی عشقی

قطب ۱	استبدادمداری
قطب ۲	آزادی‌خواهی
قطب ۳	اعتراض‌جویی
قطب ۴	سکوت‌پیشگی
قطب ۵	هرج‌ومرج‌وداری

ث. ۱. ۴) عارف قزوینی

عارف قزوینی در حدود سال ۱۳۰۰ هـ. ق. در قزوین زاده شد. مقدمات فارسی، عربی، خوش‌نویسی و موسیقی را در کودکی فراگرفت. در شانزده سالگی به تهران آمد و در همین سنین، سرودن شعر را آغاز کرد، (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۳۲۷). عارف قزوینی از شاعران و تصنیف‌سرایان بزرگ دوره مشروطه محسوب می‌شود که علاوه بر این‌که شاعری بی‌نظیر بود، به دلیل آشنایی‌اش با موسیقی، در اجرای کنسرت‌های میهنی نیز شاخص است. عارف در قزوین به دنیا آمد، به تهران سفر کرد و همزمان با موج انقلاب مشروطه، به سرودن تصنیف، شعر و ترانه پرداخت.

ترانه‌های عارف بلافاصله پس از این‌که سروده می‌شدند، در فضای اجتماعی کشور منتشر می‌شد و بازخوردهای بسیاری پیدا می‌کرد. تصنیف "گریه را به مستی بهانه کردم" را برای اعتراض به دخالت بیگانگان در امور کشور ساخت و همین باعث شد تا تحت تعقیب قرار بگیرد و بگریزد.

عارف قزوینی درخصوص بسیاری از مسایل و مباحث مطرح در فضای ادبی و فکری عصر مشروطه، شعر سروده‌است. در کنکاش مفاهیم موجود در اشعار طنز عارف قزوینی، می‌توان به تلاش برای کسب آزادی اشاره کرد. در بخش‌هایی از شعر مورد بررسی شاعر، قطب‌بندی‌های گفتمانی به شرحی که خواهد آمد، قابل بررسی است.

۱۷۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی- پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۲، (پیاپی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

«نعره یا مرگ یا آزادی ملت به‌جاست

نعره یا مرگ یا آزادی ملت به‌جاست

امر و نهی روس آزادی‌کش آخر بهر چیست؟

او مگر آگه نمی‌باشد که ایران بهر ماست»

(عارف، ۱۳۵۷: ۳۶۲)

ث. ۱. ۴. ۱) قطب‌بندی‌های شعر عارف قزوینی

عارف در اکثر اشعارش، مانند دیگر شاعران مشروطه حد اقل دو گفتمان استبداد و آزادی را در برابر هم قرار می‌دهد و در این شعر علاوه بر دیگران، صراحتاً قطب آزادی‌خواه ایران را در مقابل قطب مداخله‌گر بیگانه قرار می‌دهد.

جدول شماره ۴

قطب‌بندی‌های شعر عارف قزوینی

قطب ۱	استبداد مداری
قطب ۲	آزادی‌خواهی
قطب ۳	اعتراض‌پیشگی
قطب ۴	مداخله‌گری
قطب ۵	میهن‌دوستی

ث. ۱. ۵) میرزا علی‌اکبرخان دهخدا

اگر از فردوسی بگذریم، معلوم نیست کدام یک از بزرگان ادب ایران‌زمین، به اندازه دهخدا به فرهنگ ملی ما ایرانیان خدمت کرده‌است، (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۷). علی‌اکبر دهخدا معروف به "دخو"، فرزند خان باباخان در حدود سال ۱۲۹۷ هجری قمری در خانواده‌ای قزوینی‌الأصل، دیده به جهان گشود. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و پس از آن وارد مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی تهران شد. در سال ۱۳۲۱ هـ ق همراه معاون‌الدوله‌ی غفّار، وزیرمختار ایران

در حوزه‌ی بالکان به اروپا رفت و طیّ دو سال اقامت در وین، ضمن تحصیل دانش‌های جدید، زبان فرانسه‌ی خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشروطه، به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه "صوراسرافیل" با میرزا جهانگیرخان شیرازی همکاری کرد و مقالات خود را تحت عنوان "چرندوپرند" با نام‌های مستعار چاپ کرد. دهخدا پس از به توپ بسته‌شدن مجلس، به استانبول گریخت و از آن‌جا به اروپا رفت. دهخدا پس از فتح تهران و اعاده‌ی اصول مشروطه، از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس در دوره‌ی دوم انتخاب شد. پس از پایان جنگ جهانی اول، از کارهای سیاسی دست شُست و مشاغل مختلفی را عهده دار شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. تمام فعالیت‌های خود را به مطالعه و تحقیق معطوف نمود که از جمله آثار مهمّ او می‌توان "لغت نامه" را نام برد. دهخدا در سال ۱۳۳۴ ش. در تهران درگذشت. (وحید، ۱۳۸۷: ۳۱۴ به بعد)

نام دهخدا با طنز ایران به هم پیونده خورده‌است. وی در دورانی که بسیاری از قلم‌ها از ترس استبداد، زبان به کام گرفته بودند، طنزهایی صریح، قاطع و نیش‌دار می‌نوشت و استبداد و نظام ملوک‌الطوایفی را، آماج حمله قرار می‌داد. استعداد و هوش "دخو" در طنز و ادبیّات، به حدّی بود که انتشار چندین مقاله از وی در روزنامه صور اسرافیل، نام وی را به عنوان یکی از بنیان‌گذاران اصلی نثر طنزی و انتقادی زبان فارسی ثبت کرد.

به لحاظ تاریخ اجتماعی و سیاسی معاصر، چرندوپرند را باید تصویرپردازی ماهرانه و دقیق از شرایط و موقعیّت تاریخی و اجتماعی ایران عصر مشروطیّت به شمار آورد. دهخدا در شناسایی، پردازش و بازگویی‌ها کاستی‌ها و مُعضلات اجتماعی عصر خود، تیزبینی و دقّت ویژه‌ای به کار می‌برد. به دیگر سخن، «هر موضوعی که به نوعی با احوال، سرنوشت و منابع مردم بستگی داشته، از وضع حکومت، مجلس و متصدّیان امور و روابط دولت با ملت و دُول خارجه گرفته تا آداب و رسوم معتقدات». جهل و نادانی، ناآگاهی، بی‌سوادی، گُست و تضادّ

طبقاتی، اعتیاد، نابسامانی راه‌های ارتباطی، فقر و ناداری، وضعیّت نامناسب بخش کشاورزی، بهداشت نارسا و ضعیف و مسایل مانند آن‌ها، نقاطی است که دهخدا بر آن‌ها انگشت می‌گذارد. وی بر این باور است که برای رفع و اصلاح آن‌ها، گام‌های بلند و استواری باید برداشته‌شود. درباره‌ی نشر دهخدا در چرندوبپرند. (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۳۲۷)

در شعر زیر از دهخدا که به تحلیل آن پرداخته‌ایم، به‌خوبی می‌توان، تقابل‌های گفتمانی حاکم را مشاهده نمود:

«مردود خدا رانده هر بنده، آکبلای	از دلّکِ معروفِ نماینده، آکبلای
با شوخی و با مسخره و خنده، آکبلای	نَز مرده گذشتی و نه از زنده، آکبلای
هستی تو چه یک‌پهلویک‌دنده، آکبلای؟!	نه بیم ز کف‌بین و نه جن‌گیر و نه رَمال
نه خوف ز درویش و نه از جذبه، نه از حال	نه ترس ز تکفیر و نه از پیشتوی شاپشال
مشکل ببری گور، سر زنده آکبلای	هستی تو چه یک‌پهلویک‌دنده، آکبلای
از گرسنگی مُرد رعیت، به جهنّم	ور نیست درین قوم معیت، به جهنّم
تریاک بُرید عرق حمیت، به جهنّم	تو منتظری رشوه در ایران رُود از یاد؟
خودکامه ز قانون و ز عدلیه شود شاد؟	اسلام ز رَمال و ز مُرشد شود آزاد؟
یک دفعه بگو مرده شود زنده، آکبلای!	هستی تو چه یک‌پهلویک‌دنده، آکبلای!

(آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۹۳ - ۹۴)

ث. ۱. ۵. ۱) قطب‌بندی‌های شعر علی‌اکبر دهخدا

علی‌اکبر دهخدا در این سروده، نابہ‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی ایران را در برابر یک وضعیّت آرمانی و ایده‌آل بدون فساد، خرافه و همراه قانون‌مداری قرار می‌دهد. در این شعر شاهد گفتمان‌هایی هستیم که در جدول شماره ۵ به آن‌ها اشاره شده‌است:

جدول شماره‌ی ۵

قطب‌بندی‌های شعر علی‌اکبر دهخدا

فسادپیشگی	قطب ۱
اعتراض‌پیشگی	قطب ۲
آگاهی‌مداری	قطب ۳
قانون‌مداری	قطب ۴
هرج و مرج‌طلبی	قطب ۵
خرافه‌پرستی	قطب ۶

ث. ۱. ۶) ادیب‌الممالک فراهانی

میرزا محمدصادق امیری فرزند حاجی میرزا حسین و نوادهٔ میرزا معصوم، متخصص به محیط، برادر قائم‌مقام فراهانی، وزیر معروف محمدشاه قاجار، در در روز ۱۴ محرم سال ۱۲۷۷ هـ. ق. مطابق با ۱۱ مردادماه سال ۱۲۳۹ شمسی، در روستای گازران اراک، به دنیا آمد. پدرش حاجی میرزا حسین، برادرزادهٔ قائم مقام فراهانی بود. درباره‌ی زندگی ادیب‌الممالک. (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۱ به بعد)

شعر ادیب‌الممالک شعری دشوار و دور از دسترس فهم، ذهن و زبان عامهٔ مردم است. شاید علت این امر، تنوع واژگانی است که در دسترس شاعر است. امیری به دلیل تسلط به ادبیات فارسی، عربی، زبانی‌های روسی، کلدانی، ترکی، فارسی و انگلیسی و همچنین آشنایی با تمدن جدید و حوزه‌های حکمت، فلسفه، ریاضی، نجوم، جفر و واژگان آن علوم، اشعاری دشوار، عمیق و پیچیده دارد. شعر ادیب‌الممالک پر است از واژگان مهجور عربی، کلمات دساتیری و لغات عامیانه. (همان: ۱۲۶ به بعد)

در بررسی اشعار ادیب‌الممالک فراهانی نیز به کرات، به مسألهٔ دموکراسی و آزادی‌های اجتماعی و آزادی‌های سیاسی برخورد می‌کنیم. این حال یکی از اشعار مهم فراهانی را می‌توان شعر "ما را چه؟" دانست که در آن، نسبت به بی‌توجهی

جامعه به آن‌چه که در اطراف و آکناف رُخ می‌دهد، انتقاد می‌شود. فراهانی این‌گونه می‌گوید:

ما را چه که باغ لاله دارد؟	ما را چه که خسته ناله دارد؟
ما را چه که گوشِ خر دراز است؟	ما را چه که چشمِ گرک باز است؟
ما را چه که میش، برّه دارد؟	ما را چه که اسب، کُره دارد؟
ما در غم خویش ناله داریم	انده هزار ساله داریم
هستیم چو مرغِ پرشکسته	از تیر قضا نزنند و خسته
نه جفت و نه آب و دانه داریم	نه لانه، نه آشیانه داری
ما شکوه ز بخت خویش داریم	زاری به درون ریش داریم
بی‌توشه علم و مایه فن	افتاده به گرد بام و برزن
بی‌خاصیتِ کمال و تقوی	از فضل و هنر کنیم دعوی
انواع هنر به خویش بندیم	بیهوده به ریشِ خویش خندیم!

(ادیب‌الممالک، ۱۳۸۲: ۶۳۵)

ث. ۱. ۶. ۱) قطب‌بندی‌های شعر ادیب‌الممالک

این مثنوی ۱۷ بیتی را شاعر در ردّ کسانی گفته که روزنامه را بی‌فایده می‌دانسته‌اند و در این شعر، ادیب‌الممالک، عالی‌ترین مباحث روزگار را با زبانی طنزآمیز بیان و در خلال آن، قطب‌بندی‌های گوناگون را به تصویر می‌کشد. ادیب در این شعر قطب‌های گوناگون را مطابق آن‌چه در جدول ۶ آمده، ترسیم می‌نماید.

جدول شماره ۶

قطب‌بندی‌های شعر ادیب‌الممالک فراهانی

بی‌سروسامانی	قطب ۱
گرفتاری و اسارت	قطب ۲
پستی‌پیشگی	قطب ۳
بی‌مایگی و جهالت	قطب ۴
ادعاگری	قطب ۵
دروغ‌گویی	قطب ۶

ث. ۱. ۷) ابوالقاسم لاهوتی

ابوالقاسم لاهوتی فرزند یکی از آزادی‌خواهان زمان مشروطه، به نام "الهامی" در سال ۱۳۰۵ هـ. ق. برابر با ۱۲۶۶ شمسی در کرمانشاه به دنیا آمد. پدر لاهوتی کفّاش، مذهبی و اهل شعر و ادب بود و پسر نیز اندک‌اندک پایه‌پای او گام برمی‌داشت. تا جایی که با یاری پدر به انجمن فراموش‌خانه که با نام جمعیت آدمیت در باختران فعالیت می‌کرد، راه یافت. پدر لاهوتی خود از اعضای مهم و فعالان این گروه بود. مرگ او در سال ۱۳۳۶ شمسی در مسکو اتفاق افتاد. (یاحقی، ۱۳۷۴: ۷۲)

لاهوتی با حضور در فعالیت‌های جمعیت آدمیت و انجمن ماسونی و برخورداری از حال و هوای فرهنگی درویشان و متصوّف کرمانشاه و الهام از مطبوعات منتشره روزگارش، چون روزنامه قانون، به مدیریت میرزا ملکم‌خان که بنا به روایاتی، در انگلستان چاپ می‌شد و پنهانی در ایران دست به دست می‌شد، اشعاری صوفیانه، ملی و میهنی می‌سرود.

شعر لاهوتی نیز چون زندگی او همیشه آواره بوده‌است و در آوارگی. جز در فرصت‌های بسیار کوتاهی از قبیل لحظه‌ی سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و یا چند روز اول سقوط محمدرضا شاه در سال ۱۳۵۷، شعر لاهوتی هرگز مجالی برای ظهور و بروز در میان مردم میهنش نیافته‌است، (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۲۰). در اشعار

۱۸۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی- پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۲، (پیاپی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

برگزیده‌ی زیر، شاعر به‌خوبی به قطب‌بندی گفتمان‌های زمان خود می‌پردازد.
 «ما به ضدّ صنف استثمارکن داریم جنگ فَعَلِه‌ایم آزادی زحمت شعارِ ما بود
 منتظر از هیچ کس بهر رهایی نیستیم ناجی ما بازوان بُردبار ما بود
 ما سَند داریم کاین دنیا سراسر مُلک ماست این سَند داریم به دست پینه‌دار ما بود»
 (لاهورتی، ۱۳۸۰: ۱۹۰)

ث. ۱. ۷. ۱) قطب‌بندی‌های شعر ابوالقاسم لاهوتی
 با نگاهی ساده به این شعر، می‌توان قطب‌های متقابل را رودرروی هم مشاهده کرد:

جدول شماره‌ی ۷

قطب‌بندی‌های شعر ابوالقاسم لاهوتی

قطب ۱	استثمارگری
قطب ۲	پیکارگری
قطب ۳	ملّی‌گرایی افراطی
قطب ۴	کارگران زحمت‌کش

ث. ۱. ۸) ملک‌الشّعرا‌ی بهار
 محمّد تقی بهار ملک‌الشّعرا، فرزند حاجی میرزا محمّدکاظم صبوری، ملک‌الشّعرا‌ی آستان قدس رضوی، در سال ۱۳۰۴ هجری قمری در ماه ربیع‌الأوّل در مشهد به دنیا آمد. نظر به این‌که محمّدکاظم صبوری، ملک‌الشّعرا‌ی آستان حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)، بود، هر وقت به مجالس و محافلی می‌رفت، فرزندش محمّد تقی را با خود می‌برد و او را با محیط و مردم آن سامان آشنا می‌کرد، بدین سبب محمّد تقی خیلی زود با مردم آشنا شد و در میان آن‌ها نام و نشان یافت تا این‌که در کشاکش اوایل مشروطه‌طلبی، صبوری در سال ۱۳۲۲ هجری قمری، در مشهد درگذشت و بهار جوان، در میان آن علما و گویندگان نام‌آور، از طرف

تحلیل گفتمان شعر طنز مشروطه • سجاد عباسی، محمد کاظم کاوه پیش قدم و ... • صص ۱۹۲-۱۶۵ □ ۱۸۵

مظفرالدین شاه به جای صبوری پدر، به مقام ملک الشعرائی حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) رسید. زندگی کم تر شاعری را سراغ داریم که دایره ی مطالعات او، در همه ی عرصه های هنری نظیر شعر و نقد ادبی و... شبیه یا نزدیک به آن باشید، درباره ی زندگی و شعر او. (بهار، ۱۳۸۱: صفحات مختلف مقدمه)

ملک الشعرا ی بهار در بخش هایی از قصیده ی "لزنیه" که آن را در ایام نقاht و درمان در سوئیس، سروده، علاوه بر جنبه های سیاسی و اجتماعی، به ذکر افتخارات ملی و گذشته ی ایران و ایرانی می پردازد.

«امروز امید همه زی مجلس شور است
سر باید کاسوده نگهدارد تن را
جز مجلس ملی نزنند بیخ ستبداد
افریشندگان قهرکنند اهریمن را
بی نیروی قانون نرود کاری از پیش
جز بر سر آهن نتوان بُرد ترن را
گفتار بهار است وطن را غذی روح
مام از لب کودک نکند منع لبن را
این گونه سخن گفتن حدّ همه کس نیست
داند شمن آراستن روی و ثن را»
(بهار: ۱۳۳۵، ۱۷۹)

ث. ۱. ۸. ۲) قطب بندی های شعر بهار

از آن جا که بهار مرد قانون است و چند دوره به عنوان نماینده در مجلس شورای ملی بوده است، در این قصیده که آن را در سال ۱۳۲۷ شمسی، یعنی سه سال پیش از مرگ، سروده، برخلاف قصاید و ابیات شورانگیز جوانی، با زبانی نرم و آرام، سخن می گوید و قطب های قابل بررسی در شعرش، گویی آرام تر و باتجربه تر هستند.

جدول شماره ی ۸

قطب بندی های شعر بهار

عدالت محوری	قطب ۱
قانون پیشگی	قطب ۲
پیشرفت محوری	قطب ۳

ث. ۱. ۹) فرّخی یزدی

میرزا محمد، متخلص به فرّخی فرزند محمدابراهیم سمسار یزدی در سال ۱۳۰۶ هجری قمری در یزد متولد شد. پس از طی دوران خردسالی، مشغول تحصیل گردید. فرّخی را نزدیک پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسهٔ مرسلین انگلیس‌های یزد به علت آزادی‌خواهی و اشعاری که علیه اولیای مدرسه می‌سرود، اخراج کردند. مبارزات فرّخی یزدی علیه بیداد و استبداد داخلی و استعمار خارجی ایران، از نوجوانی او آغاز می‌شود؛ هنگامی که دانش‌آموز مدرسهٔ "مرسلین" انگلیسی‌های مقیم یزد است و هنوز بیش از پانزده سال از عمرش نگذشته، ضمن مسمّطی جالب، اولیای آموزش‌گاه خود را که اغلب‌شان ارمنی و زردشتی هستند، به باد انتقاد می‌گیرد و ب‌الشکوائی دربارهٔ اوضاع منحطّ زمانه می‌سراید؛ در این‌که با وجود تأسیس چنین مدرسی در ایران اسلامی، دین احمدی بر باد خواهد رفت و ضمن منظومه خود آرزو می‌کند که کاش، امّام زمان (عج) زودتر ظهور کند و جلوی بی‌دینی‌ها را بگیرد.

سروده شدن این مسمّط توسط فرّخی، موجب می‌شود که او را از مدرسهٔ "مرسلین" اخراج کنند. وی هم‌چنین در یزد با سرودن شعری علیه ضیغم‌الدوله قشقایی، حاکم یزد به قدری مورد غضب قرار گرفت که دستور دادند لب‌هایش را با نخ و سوزن به یکدیگر بدوزند. این عمل بی‌سابقه و غیر انسانی، موجب بروز بلوا و شورش در میان آزادی‌خواهان شد. پس از این جریان، فرّخی یزدی به تهران فرار کرد و در ابتدای سلطنت پهلوی و دوره‌ی هفتم مجلس شورای ملی، مردم یزد او را به وکالت برگزیدند. (یاحقّی، ۱۳۷۴: ۷)

غزل‌های سیاسی فرّخی که بخش اعظم شعر او را تشکیل می‌دهد، لبریز است از مفاهیم وابسته به حوزه‌ی دموکراسی و سوسیالیسم و او حقّاً، در شرایط عصر خویش، این‌گونه مفاهیم را به زبان غزل، بهتر از هرکسی عرضه کرده‌است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۳۵)

تحلیل گفتمان شعر طنز مشروطه • سجاد عباسی، محمد کاظم کاوه پیش قدم و ... • صص ۱۹۲-۱۶۵ □ ۱۸۷

شعر زیر که به عنوان نمونه‌ای از اشعار فرّخی یزدی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، علاوه بر جنبه‌های مورد بحث این گفتار، تا حدود زیادی، نمایان‌گر اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او نیز هست:

«چگونه پای گذارم به صِرَفِ دعوت شیخ به مَسَلکی که ندارد مَرام آزادی؟
هزار بار بود به ز صبح استبداد برای دستۀ پابسته، شام آزادی
اگر خدای به من فرصتی دهد یک روز کشم ز مُرتجعین انتقام آزادی»
(فرّخی یزدی، ۱۴۱)

ث. ۱. ۹. ۲) قطب‌بندی‌های شعر فرّخی یزدی

با بررسی این شعر طنزگونه که تعریضی است به برخی منتسبان به مذهب در آن عصر، می‌توان قطب‌هایی را به شرح جدول شماره ۹ از هم بازشناخت:

جدول شماره ۹

قطب‌بندی‌های شعر فرّخی یزدی

دین‌مداری انفعالی	قطب ۱
استبدادمحوری	قطب ۲
آزادی‌خواهی	قطب ۳
کین‌جویی	قطب ۳

نتیجه

پیش از جمع‌بندی نتایج حاصل، نگاهی به قطب‌بندی‌های اشعار بررسی شده در جدول شماره ۱۰، می‌تواند در ترسیم شاکله‌ای کلی از قطب‌بندی‌های مورد نظر شاعران، مفید باشد:

جدول شماره‌ی ۱۰

قطب‌بندی‌های اشعار بررسی‌شده

خیانت‌کاری	قطب ۱
بی‌مایگی، جهل و حماقت	قطب ۲
قانون‌گرایی	قطب ۳
آزادی‌خواهی	قطب ۴
روزمرگی	قطب ۵
فریب‌پیشگی	قطب ۶
استبدادمداری	قطب ۷
استبدادزدگی	قطب ۸
اعتراض‌زدگی	قطب ۹
اعتراض‌جویی	قطب ۱۰
سکوت‌پیشگی	قطب ۱۱
بی‌سر و سامانی و هرج‌ومرج‌محوری	قطب ۱۲
مداخله‌گری	قطب ۱۳
میهن‌دوستی	قطب ۱۴
فسادپیشگی	قطب ۱۵
آگاهی‌مداری	قطب ۱۶
خرافه‌پرستی	قطب ۱۷
گرفتاری و اسارت	قطب ۱۸
پستی‌پیشگی	قطب ۱۹
ادعاگری	قطب ۲۰
دروغ‌گویی	قطب ۲۱
استثمارگری	قطب ۲۲
ملّی‌گرایی افراطی	قطب ۲۳
کارگران زحمت‌کش	قطب ۲۴
استثمارگری	قطب ۲۵

عدالت محوری	قطب ۲۶
قانون پیشگی	قطب ۲۷
پیشرفت محوری	قطب ۲۸
عدالت محوری	قطب ۲۹
دین مداری انفعالی	قطب ۳۰
کین خواهی و پیکارگری	قطب ۳۱

با نگاهی به قطب بندی های موجود، می توان این قطب بندی ها را در چهار قطب کلی به شرح جدول ۱۱ جای داد:

جدول شماره ی ۱۱

قطب بندی های اشعار بررسی شده

حکومت و دولتیان	قطب ۱
مردم	قطب ۲
بیگانگان	قطب ۳
روشن فکران و مبارزان	قطب ۴

در بررسی قطب بندی های اشعار طنز منتخب از عصر مشروطه، یک نکته بسیار اساسی خودنمایی می کند و آن، اشتراک و نزدیکی نوع نگاه شاعران نسبت به صف آرایی جبهه های متقابل و صفوف گوناگون درگیر در مبارزات مشروطه خواهی است و آنچه در این مقاله قابل استنتاج است، به شرح زیر است.

۱. طیف وسیعی از قطب بندی های شاعران مورد نظر، بر توسع مشروطیت و غلبه ی اندیشه های قانون گرایی تأکید دارند.

۲. آزادی و استبدادستیزی، از مهم ترین بُن مایه های شعر طنز مشروطیت است که در قطب بندی های بررسی شده نیز در قالب دو قطب "آزادی خواهی" و

"استبدادمحوری" قابل تشخیص است.

۳. میهن‌پرستی و مقابله با نفوذ استعمار از دیگر خمیرمایه‌های شعر مشروطیت است و این مفهوم در قطب‌بندی‌های بررسی‌شده، در قالب دو گروه "میهن‌پرستی" و "مداخله‌جویی" قابل بررسی است.

۴. تأکید بر تجدد، عقل‌گرایی و خرافه‌زدایی از دیگر مفاهیم بنیادی در شعر مشروطه است که در قطب‌بندی‌های شاعران از گفتمان‌های موجود، نیز می‌توان آن را در قالب دو قطب "خرافه‌گرایی" و "عقلانیت‌محوری" باز شناخت.

۵. به نظر می‌رسد که مدل انتخاب شده در اصل پژوهش، که علاوه بر بررسی مؤلفه‌ی قطب‌بندی‌های یک متن، بر مؤلفه‌های واژگانی، تداعی معانی و پیش‌فرض‌شناسی نیز تأکید دارد، یکی از راه‌های قابل توجه برخورد با متون مشابه خواهد بود.

۶. از میان حدود ۳۰ قطب‌بندی در اشعار بررسی‌شده، می‌توان با هم‌پوشانی و نیز تفکیک آن‌ها، به چهار قطب‌بندی تقریباً مشترک: ۱. حکومت و دولتیان؛ ۲. مردم؛ ۳. بیگانگان و ۴. روشن‌فکران و مبارزان بازخورد

۷. اگر قصد داشته باشیم این دایره را محدودتر نماییم، دو قطب مردم، روشن‌فکران و مبارزان در یک جبهه و حکومت، دولتیان و بیگانگان در جبهه‌ی دیگر قرار می‌گیرند. با این توصیف، قطب قدرت‌محور حکومت، دولتیان و بیگانگان در برابر قطب فاقد قدرت مردم، روشن‌فکران و مبارزان قرار می‌گیرد.

منابع:

۱. آراین پور، یحیی. (۱۳۸۷). از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ ساله ادب فارسی. تهران: انتشارات زوآر.
۲. ادیب الممالک، محمدصادق. (۱۳۸۴). [دیوان اشعار]. نوشته و تنقیح سید علی موسوی گرمارودی. تهران: قدیانی. (این کتاب جلد دوم دیوان ادیب الممالک است).
۳. امین پور، قیصر. (۱۳۸۳). سنت و نوآوری در شعر معاصر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. ایرج میرزا (۱۳۴۲). دیوان ایرج میرزا. به اهتمام دکتر محمدجعفر محجوب. تهران: چاپ رشیدیه.
۵. بهار، محمدتقی [ملک الشعر]. (۱۳۳۵). دیوان بهار. به کوشش محمد ملک زاده. تهران: چاپخانه فردوسی.
۶. ----- (۱۳۸۸). دیوان اشعار. تهران: نگاه.
۷. بهزادی، حسین. (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازی در ایران. تهران: صدوق.
۸. حسینی، اشرف الدین. (۱۳۶۳). جاودانه اشرف الدین حسینی. به کوشش حسین نمینی. تهران: کتاب فرزانه.
۹. ذاکر حسن، عبد الکریم. (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت از استقرار مشروطیت تا خلع قاجار. تهران: علم.
۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: انتشارات علمی.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران. تهران: سخن.
۱۲. عارف قزوینی، ابوالقاسم. (۱۳۵۷). دیوان عارف قزوینی. تهران: جاویدان.
۱۳. فرخی یزدی، میرزا محمد. (۱۳۶۶). دیوان فرخی یزدی: غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و مختارنامه. با تصحیح و مقدمه و شرح احوال شاعر از حسین مکی. تهران: امیرکبیر.
۱۴. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۳). راه دراز گذار. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۱۵. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۶. لاهوتی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). دیوان کامل ابوالقاسم لاهوتی. با مقدمه و ترجمه مجتبی برزآبادی فراهانی. تهران: اوستا فراهانی.
۱۷. موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴). زندگی و شعر ادیب الممالک. تهران: قدیانی. (این کتاب جلد نخست دیوان ادیب الممالک است).
۱۸. مومنی، باقر. (۱۳۸۲). ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه. تهران: گلشایی.
۱۹. میرزاده عشقی، محمدرضا. (۱۳۵۰). کلیات مصور عشقی. تألیف و نگارش علی اکبر مشیر سلیمی. تهران: امیرکبیر.
۲۰. نبوی، سید ابراهیم (۱۳۸۰). کاوش در طنز ایران، التحقیق فی حقایق الدقیق من باب الهزل والهجو والطنز والمطایبه والاشارات العمیق من عهدالعتیق الی عهدالقامیوتر والمنجیق. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۲۱. وحید، فریدون. (۱۳۸۷). جامعه شناسی در ادبیات فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه ها.
۲۲. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۴). چون سبوی تشنه: ادبیات معاصر فارسی. تهران: جامی.

۱۹۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال چهارم، شماره ۲، (پیاپی ۱۷) پاییز ۱۳۹۳

مقالات :

۲۳. عباسی هفشجانی، سجّاد. (۱۳۹۱). "منظومه‌های سیاسی طنز در انقلاب مشروطه". پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. استاد راهنما: محمّد کاظم کاوه پیش‌قدم. شیراز: دانشگاه آزاد.

۲۴. همایون کاتوزیان، محمّد علی (۱۳۷۸). "اخوانیات عارف‌نامه‌ی ایرج". تهران: مجله‌ی ایران‌شناسی. شماره ۴۱.